

التراث العربی و مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ **البداية و النهاية في التاريخ**: اسماعيل بن عمر بن كثير (۷۰۰-۷۷۴ق.)، بيروت، مكتبة المعارف، ۱۴۱۱ق؛ **تاريخ خليفة بن خياط**: خليفة بن خياط (م. ۲۴۰ق.)، به تحقيق مصطفى نجيب فواز و حكمت كشلي فواز، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق؛ **التحفة اللطيفة في تاريخ المدينة الشريفة**: شمس الدين محمد بن عبدالرحمن السخاوي (م. ۹۰۲ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۴ق؛ **الطبقات الكبرى**: محمد بن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۰ق؛ **عيون الاثر في فنون المغازی و السمائل و السير (السيرة النبوية)**: فتح الدين محمد بن سيد الناس (م. ۷۳۴ق.)، به كوشش ابراهيم محمد رمضان، بيروت، دار القلم، ۱۴۱۴ق؛ **المغازی**: محمد بن عمر الواقدي (م. ۲۰۷ق.)، به كوشش مارسدن جونز، بيروت، مؤسسة الاعلمي، ۱۴۰۹ق؛ **المنتظم في تاريخ الملوك و الامم**: عبدالرحمن بن علي ابن الجوزي (م. ۵۹۷ق.)، به كوشش محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا و نعيم زرزور، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۲ق.

سيد محمود ساماني



حارثة بن عمرو: از انصار و شهدای احد

حارثة بن عمرو از تیره بنی ساعده، از قبيله خزرج است.^۳ از زندگي وی، تا سال سوم هجرت، اطلاعی در دسترس نیست. برخی

و خود وی را بی نسل دانسته اند.^۱ در برخی منابع صحابه نگاری، مدخل دیگری با عنوان حارث بن سراقه اختصاص داده شده و تقریباً همان اطلاعات درباره حارثة بن سراقه آورده شده است. به گمان قوی، هر دو ضبط هایی از یک نام بوده و در استنساخ ها تغییر یافته است؛ چنان که ابن حجر، ضمن درست دانستن حارثه، احتمال داده است که او برادری به نام حارث داشته است.^۲ البته این استظهار، با همسانی اطلاعات دو نفر، ناسازگار است.

◀ منابع

الاستیعاب فی معرفة الاصحاب: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۳۶۸-۴۶۳ق.)، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ **اسد الغابه فی معرفة الصحابه**: علی بن محمد بن الاثیر (۵۵۵-۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ **الاصابة فی تمییز الصحابه**: ابن حجر العسقلانی (۷۷۳-۸۵۲ق.)، به كوشش علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۵ق؛ **الانساب**: عبدالکریم السمعانی (م. ۵۶۲ق.)، به كوشش عبدالرحمن، حیدرآباد، دائره المعارف العثمانية، ۱۳۸۲ق؛ **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**: محمد باقر المجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق.)، تصحیح محمدباقر بهبودی و سيد ابراهيم میانجی و سيد محمد مهدی موسوی خراسان، بیروت، دار احیاء

۱. الطبقات، ج ۴، ص ۴۲۹.

۲. الاصابة، ج ۱، ص ۶۷۰.

۳. الاستیعاب ج ۱، ص ۳۰۹.

حاضر و بادی: مقیمان و غیر مقیمان مکه

حاضر از ریشه «ح-ض-ر» و بادی از ریشه «ب-د-و» اسم فاعل و به ترتیب، به معنای شهرنشین^۳ و بادیه نشین اند.^۴ در منابع تاریخی، تفسیری و فقهی اسلامی، به بومیان مکه و کسانی که در اطراف آن اقامت دارند، حاضر یا عاکف^۵ و به آنان که اهل مکه و مقیم آن نیستند و برای انجام مناسک حج و عمره به مکه می آیند، بادی یا طائف می گویند.^۵ اطلاق بادی بر غیر مقیمان را، گرچه از شهری دیگر به مکه آمده‌اند، باید از آن رو دانست که در صدر اسلام و پیش از آن، عمده حج گزاران غیر مکی از بادیه به حج می آمدند و بعدها به عموم غیر مقیمان مکه بادی گفته شد. خاستگاه کاربرد اصطلاح یاد شده، در منابع اسلامی، به عبارات قرآنی «حَاضِرِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره/ ۲، ۱۹۶) و «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» (حج/ ۲۲، ۲۵) برمی گردد. با وجود این، نمی توان گفت کاربردهای قرآنی یاد شده معنایی اصطلاحی در ارتباط با مکه داشته‌اند، بلکه اختصاص آن به مکه، از سیاق آیات، برداشت می شود. مضمون

مغازی نگاران و منابع سیره‌ای، حارثه را در شمار شهدای احد آورده‌اند.^۱ ولی در چگونگی شهادت وی گزارشی نیامده است. این در حالی است که برخی از منابع دیگر، از زنده ماندن او و برادرش، تا زمان خلافت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و شهادت آن دو در نبرد صفین، یاد کرده‌اند.^۲ محل دفن دقیق حارثه مشخص نیست، اما به نظر می رسد، همانند بیشتر شهدای احد، در همان مکان شهادت که هم اکنون به عنوان مقابر شهدا شناخته می شود، دفن شده باشد.

◀ منابع

الاستیعاب فی معرفة الاصحاب: یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (۳۶۸-۴۶۳ق.)، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ اسد الغابه فی معرفة الصحابه: علی بن محمد بن الاتیثر (۵۵۵-۶۳۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ الاصابه فی تمییز الصحابه: ابن حجر العسقلانی (۷۷۳-۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ المغازی: محمد بن عمر الواقدی (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق.

مهدی نیک آفرین



۳. العین، ج ۳، ص ۱۰۲-۱۰۱؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۷، «حضر».
۴. العین، ج ۸، ص ۸۳؛ مفردات، ص ۴۰، «بدا»؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۷، «بدو».

۵. اخبار مکه، الازرقی، ج ۱، ص ۲۸۵، ج ۲، ص ۱۳۶؛ تفسیر شاهی، ج ۱، ص ۴۱۸-۴۱۹؛ التبیان، ج ۱، ص ۴۵۴-۴۵۵.

۱. المغازی، ج ۱، ص ۳۰۲؛ اسد الغابه، ج ۱، ص ۴۲۷.

۲. الاصابه، ج ۱، ص ۶۸۰.